

# چرا سوسیالیسم و انقلاب؟

ت . ث .

**سوسیالیسم و انقلاب** از همان ابتدای کارش با مسائل زیادی مواجه بوده است. کم کاری، دست کم در مقایسه با وظایف، کمترین ضرری است که متحمل شده ایم.

ایده اولیه بولتن بحث سوسیالیست های انقلابی را شاید بتوان در خرداد ۱۳۶۰ شکل گرفته نامید - زمانی که استراتژی سازمان مجاهدین در جلب جناحی از رژیم جمهوری اسلامی به واسطه "فرمانده کل قوا" به شکست انجامیده بود و به دنبال آن، یورش وحشیانه ضد انقلاب حاکم بر راه افتاده بود. آغاز "فاز مقاومت مسلحانه" مجاهدین، در واقع، چیزی جز یکی از عوارض این شکست نبود. همان سیاست بورژوازی معامله بر سر قدرت از بالا که مسبب این شکست بود، اینک، به شکلی دیگر ادامه می یافت: استیصال گونه. برای بسیاری از ما روشن بود که این حرکت صرفاً باعث استقرار هر چه بیشتر ضد انقلاب خواهد شد. اما، "چپ انقلابی" ما فسون شده بود. برخی فراخوان می دادند که ایران را "سراسر" جوخه های رزمی "کنید، دیگران همه را به "تعرض مسلحانه" به هر شکل و وسیله ای تشویق می کردند، برخی دیگر نیز به نقد ارگان های "بسیج" خود را برای مداخله در "قیام" جدید ایجاد کرده بودند. ترس از عقب ماندن از مجاهدین وجه اشتراک چپ شکست خورده، ما بود. سیاست اپورتونیستی دسائس‌رویی از بورژوازی نیز ادامه می یافت تا شکست انقلاب را قطعی کند.

ایجاد نشریه ای سوسیالیستی برای بحث، ترویج و سازماندهی، جزئی از طرح کلی تر ایجاد "شورای متحدی از نیروهای انقلابی" کارگری بود. به وسیله این شورا می خواستیم که چارچوب لازم برای اتحاد عمل نیروهای پراکنده در سازماندهی صف مستقل پرولتاری و راهی یک الیترناتیویسم رزاتی را فراهم کنیم. پایه های اساسی این اتحاد عمل را در میان کارگران میارزی که در حال برش از برنا مه های بورژوازی و سیاست های اپورتونیستی بودند، می یافتیم. بولتن بحث میان جریانات نظری متفاوت درگیر در این مبارزه را وسیله ای برای هر چه بهتر سازمان دادن این اتحاد عمل می دیدیم. در آن دوران اولیه، اما، تاکید اساسی ما بر جنبه سازماندهی هسته های مقاومت کارگری بود. بار روشن شدن هر چه بیشتر اوضاع سیاسی و عیان شدن عواقب سیاست های اپورتونیستی، گرایش های انتقادی سوسیالیستی انقلابی نیز به تدریج شکل می گرفتند. در این دوره بود که ایده او - لیه بولتن بحث نیز به شکل ملموس تری مطرح شد. مبارزه برای ایجاد یک جبهه متحد مقاومت کارگری اینک می توانست از طریق ایجاد یک نشریه سوسیالیستی انقلابی تقویت گردد و جهت یابد.

پس وارد بحث شدیم. نشریه سوسیالیسم و انقلاب که عاقبت در آبان ۱۳۶۱ نخستین شماره آن منتشر شد، نتیجه این بحث بود. هنوز هستند رفقای که معتقدند، این بحث دراز کافی نبود، برنامه کا روشن نشد و درک ما از چگونگی ایجاد یک بولتن غلط بود. رفقای انقلابی فوج فوج به جوخه اعدام سپرده می شدند، و ما سرگرم بحث بودیم. بحث، اما، چیزی از ایده را تغییر نداد. پس از یک سال بحث، همان شد که از ابتدا با ایده می شد. صرفاً به تعداد اولیگمائی که این ایده را در سر داشتند، اندکی افزوده شد. با این تفاوت فاحش که شرایط اولیه از میان رفته بود و استحکام ضد انقلاب اوضاع را برای هر گونه فعالیت انقلابی سخت دشوار ساخته بود. و آن اندک نیز که به نیروی اولیه اضافه شد، در شرایط جدید و انگیزه های متفاوتی آمده بود. پس، برعکس، تجربه ثابت کرد که آن بحث بیهوده به درازا کشید. و آن اندک، فقط اسباب درد سر شد.

نخستین انتقاد ما از خود با بدین باشد که در شرایطی که هر روز

به شکست انقلاب نزدیک تری شدیم، بیش از اندازه به بحث بسط دادیم و بیش از اندازه به تردیدهای روشن فکرانه تسلیم شدیم. باید با همان ها که از ابتدا آمده بودند، کار را آغاز می کردیم و بحث با دیگران را در ضمن کار و بطور علنی ادامه می دادیم. و از رفقای که امروزه هنوز به ما ایراد دارند که چرا به اندازه کافی بحث نکردیم، فقط می توانیم دعوت کنیم که پس از سه سال دست کم نخست طرح خود را به بحث بگذارند!

با انتشار سوسیالیسم و انقلاب تردیدها و تزلزل ها خاتمه نیافت. بلافاصله پس از بخش شماره اول و بحث هایی که در میان گروه ها و محافل چپ برانگیخت، روشن شد که همان ها که تحقق این بولتن بحث را یک سال به تعویق انداختند، گماکان ناروشنند. توافق میان نماینده جمع ما (عمدتاً از رفقای متمایل به نشریات کتدوکا و وچیدا بگذرد؟) و نماینده گروهی از فدائیان (اقلیت) ظاهراً فقط توافقی میان ما و یک فرد (الف. ر.) بوده است. روشن شده برداشت های این گروه از اهداف و اصول نشریه نه تنها متغایر که حتی متضاد با توافقات "نماینده" آن است. نماینده آنها نشریه را بولتن بحث میان گرایش های متفاوت می دانست، ولی اغلب کسانی که او را نماینده کرده بودند، تصورشان این بود که نشریه "متعلق" به آنان است. و منظور از "بحث"، تدقیق و تدوین نظر "عده" خاصی است و به اصطلاح برخی از ما را نیز در نشریه "راه" داده اند (مثلاً، ت. ث.). که در این امر به آنها کمک کنیم. خود "نماینده" نیز در معاملات که پشت سر نشریه به نام آن صورت می گرفت، در عمل همین تلقی را پیاده می کرد.

به ناچار با ز مدت درازی بحث کردیم. فاصله چند ماهه میان انتشار شماره اول و دوم، نتیجه آن بود. این بار هم بحث بیشتر، چیزی را تغییر نداد. آنچه عاقبت پذیرفتیم، همان بود که قبلاً هم پذیرفته بودیم و در مقالات مختلف شماره اول عنوان کرده بودیم. یک بار دیگر چارچوب کار را تشریح کردیم، اهداف و برنا مه های نشریه را توضیح دادیم و بطور کتبی و علنی به تردیدها اشاره کردیم تا مطلب بازشود. ظاهراً کسی اختلافی نداشت. اما، بزودی روشن شد که ما با این گونه توافقات نزدیک به هیچ گونه تضمینی در بر ندارد. توافق می کردیم و می نوشتیم که ما وظیفه مرکزی این دوره را مبارزه در راه ایجاد گروه بندی طراز جدید (اتحادیه ای از سوسیالیست های انقلابی) تلقی می کنیم و به جای خود فریبی های وجدان های بی تفاوت، مسیر آزادی حقیقی را پیش می کشیم. اما، این ها فقط جملات فریبنده ای بودند که برخی می پذیرفتند تا بتوانند به کار خود ادامه دهند. خود ترکیب مقالات شماره دوم و با فشاری آنها بر آن، نشان می داد که چقدر گریبی از "مسیر آزادی حقیقی" دارند. توگویی قرار است مسیر انقلاب پرولتری را به وسیله جنگ ادبی تاریخی (با جاشنسی رایج "شئوریک") طی کنیم. باید به خود فریبی وجدان های بی تفاوت، مردم فریبی وجدان های از دست رفته را نیز اضافه می کردیم تا شاید منظور خود را بهتر تشریح کنیم. از همان زمان، برای ما روشن شده بود که این دوستان که این چنین ساده توافق می کنند و این چنین ساده زیر توافقات می زنند، از تشریح توقعات دیگری دارند.

در شماره سوم، در مقام پاسخ به انتقادات رفقای راه فدائی، موضوع را بیشتر شکافیم. تحلیل خود را از اوضاع و برداشت خود از وظایف را نوشتیم: سیاه پروری سفید. نوشته های خودشان را نیز به یادشان آوردیم. به سرعت پذیرفتند. اما، به وضوح، پذیرشی نبود "تاکتیکی". رقابت میان "نماینده" و "مسئول"، اولی را به تاکید بر سر توافقاتی که با ما کرده بودند و دومی را به تاکید بر سر توافقاتی که

درون خود اعلام داشته بودند، واداشت، دومی توسط اولی "طرد" شد. اما، در واقع، دومی مادقانه تراز اولی نظر واقعی گروه را بیان نمی‌کرد. هنگامی که "رقابت" درونی فیصله یافت، به سرعت، تردیدها دوباره آشکار شدند: این بار تحت لوای "پیشنهادهای جدید". بدون توضیحی درباره پیشنهادهای که چند هفته قبل پذیرفته بودند.

نتیجه عملی پیشنهادهای "جدید" این بود که اولاً، نشریه به مجموعه بی‌هدفی از مقالات "نزدیکان" بدل شود، شایعاً، بسیاری بهترین شان مقام‌های خود ساخته ایجا دگر دکه "ناراضی" نشوند. مسأله اهمیت توافق قبلی درباره برنامه‌ها و اهداف کاری فاشی کردیم و ضرورت سازماندهی اصولی فعالیت‌ها بر اساس یک طرح مشترک را پیش کشیدیم. و البته، به هیچ وجه پیشنهادهای را نپذیرفتیم. در ضمن این بحث آشکار شد که درک این دوستان از مسأله سازماندهی نیز لاقلاً غیر پرولتری است. طرح سازمانی آنها را می‌توان چنین خلاصه کرد: آزادی کامل عمل برای "رهبر" که بر اساس تشخیص شخصی خود را به این سمت منصوب کرده است، اطلاعات ناقص و مبهم و محدود برای "پیروان" که به شکل پراکنده با "رهبر" در ارتباطند و "مداخله" بی‌جا ندارند، "طرد" آنان که "غرو لندی خود" می‌کنند و "جذب" آنان که به وسیله "ارتقاء" مقام "دست‌از-چون و چرایز" می‌کشند. ماهیت بولتن بحث چنین بود که در حال ما نمی‌توانستیم در مورد داخلی گروه‌ها و درگیر در آن مداخله کنیم. اما، این "اصول" تشکیلاتی نشان می‌داد که لاقلاً در تعیین ممیزه‌های سوسیالیسم و انقلاب قدری دست و دلباز بوده‌ایم. مسلم این بود که ما نه تنها نمی‌توانستیم با چنین گروهی در چارچوب یک نشریه مشترک همکاری کنیم، بلکه نمی‌توانستیم اجازه دهیم که نحوه سازماندهی باندهای شخصی در مورد نشریه تا شیری بگذارد.

بدین سان، دوباره چند ماه دیگر به بحث نشستیم. در ضمن این بحث متوجه شدیم که "نمایند" این گروه برای هر یک از رفقای خود داستان ویژه‌ای در باب ماهیت نشریه و نیروهای درگیر در آن تعریف کرده است. و در واقع عمده مشکلات مانا می‌از این است که "نزدیک" ترین رفقا "ی" ایشان نه تنها خبر نداشته اند که در چارچوب این نشریه با چه کسانی همکاری می‌کنند، بلکه اگر می‌دانستند، کارهایی به مراتب وخیم تر از "غرو لندی خود" کرده بودند. آنتی تروتسکیست‌های ضد توکل، به وسیله دوز و کلک به اهرمی برای همکاری ایشان با جمع ما تبدیل شده بودند. پیشنهادهای جدید "نمایند" ایشان نیز صرفاً وسیله‌ای برای خواباندن سروصدای "ناراضی" ها بود. برای بار چندم توضیح دادیم که ادامه همکاری ما فقط می‌تواند بر اساس پذیرش جدی اصول و اهداف مشترک و وفاداری عملی به تعهدات صورت بپذیرد. مدتی فکر کردند، سپس به توافق رسیدند. و با تعداد نفراتی کمتر.

در "چندکلام" در شماره چهارم، یک بار دیگر جمع بندی خسود را از اهداف، اصول و ممیزه‌های نشریه با زگو کردیم. تصور می‌کردیم که دیگر جایی برای تردید با زنگ داشته‌ایم و منبهد کار منظم و برنامه ریزی شده‌ای را که همواره در مدنظر داشتیم، پی ریزی خواهیم کرد. و شاید به تدریج همه کم‌کاری‌های دوره پیشین را جبران کنیم. تنها یک مسأله را علنی نکردیم: مسأله سازماندهی. به دودلیل. اول این که به توافق شفاهی شان احترام گذاشتیم. دوم این که قرار شد در خود نشریه بحث درباره مسائل این چنانی (و انتقادات همان "نزدیک ترین رفقا") را با زکنیم. بخشی از نشریه را بسدان اختصاص دادیم و در ضمن، از همه دعوت کردیم که با در نظر گرفتن موضع مادر "چندکلام"، پیشنهادهای و انتقادات خود را علنی کنند. همچنین، توافق کردیم که موقع هیات تحریریه متکی بر دمو سول با یسد خاتمه‌ها بدو طرح چگونگی تشکیل یک هیات تحریریه گسترده را با یسد در خود نشریه به بحث بگذاریم.

اتفاقات بعدی، اما، همه توهما را فروریخت. هنوز شماره ۴ را از چاپخانه تحویل نگرفته بودیم که با زمانگان همان‌ها که چندین بار سیر تردید بحث - توافق را پیموده بودند، این بار تیشه به ریشه خود نشریه زدند. و دیگر تمایلی به بحث نیز نشان ندادند.

نخست، معاون "نمایند" پیشقدم شد. سپس، "پیروان" آغالشگری کردند. و عاقبت "رهبر" کناره گرفت. سناریوی تعطیل نشریه ما را نیز نخست به اشتباه گشایند. اما، امروز، پس از آنچه بعدها رخ داد، برای ما ثابت شده است که از با زشدن بحث بر سر مسائل سازمانی و طرح انتقادات درونی خودشان نگران بودند.

دومین انتقاد ما از خود این است که نسبت به این گروه توهم بسیاری نشان دادیم. باور کردیم که با بحث بیشتر درونی می‌توان آنان را به وفاداری به تعهدات قبلی ترغیب کرد. و باور کردیم که اگر برخی از مسائل را به بحث علنی نگذاریم، به اصلاح اشتباهات کمک بیشتری خواهد کرد. اما، نیروها و فشارهای دیگری بر آنان عمل می‌کردند که در آن زمان برای ما ناشناخته بودند. عملگردهای آنان (کارنامه‌ها را خود را نه داده‌اند) تضاد میان آنچه را که ادعا کرده بودند و آنچه واقعاً قضاوتشان را داشتند، آشکار ساخته است. ارزیابی ما از میزان برش‌شان با گذشته و از کیفیت این برش اشتباه بود. برش اساساً نه با گذشته که با آینده انجام می‌گرفت. و برای چنین برشی، نیاز به انتقاد از گذشته فقط پوششی برای برش گذشته انقلابی است و نه عملگردهای غلط گذشته. چنانچه هدف با زازی فعالیت نوین انقلابی نباشد، انتقاد از روش‌های کهنه می‌تواند فقط در سطح ادبیات باقی بماند. آنچه ما هنوز درک نمی‌کردیم، این بود که کناره گیری آرام از فعالیت انقلابی و به گوشه‌ای در میان "اپوزیسیون" ما یوس خزیدن، امروزه هزار بار به روشن دارد. برخی نیز با پرخاشگری انقلابی همان می‌کنند که دیگران با شکوایه نویسی علیه انقلاب.

پس از زیر پا گذاردن تعهدات قبلی خود نسبت به رفقای خود و به انقلاب، ادعا کردند که "اختلاف" دارند. اختلافات خود را، اما، هنوز توضیح ندادند. بسیاری تصور می‌کنند که ما می‌دانیم اختلافات بر چه چیزیست، اما نمی‌گوئیم. کافیت به عملگردشان نگاه می‌بندازند و ما هیات اختلافات را خود به رای العین مشاهده کنند. نشریه‌ای که "آزادانه" و مطابق میل خود منتشر کرده‌اند، برای ما روشن می‌کنند که فقط قطره دیگری به دریای بریدگان از انقلاب افزوده شد. ما هیات کار را فقط علائق خصوصی شرکت کنندگان در آن تعیین می‌کند. همه ادعاهای مکتوب خود را مبنی بر مبارزه برای گروه بندی سوسیالیستی انقلابی رها کرده‌اند. و از نظریاتی، امروزه، این تنها به سود اپوزیسیون بورژوازی است. در ابتدای کار، ما این تمایلات را نمی‌دیدیم، و مسائل را درک نمی‌کردیم. اما، با بدیهه محض مشاهده، علائم آن، بحث را در خود سوسیالیسم و انقلاب با ز می‌کردیم. نباید اجازه می‌دادیم که تردید و تزلزل شان از کار اصلی ما جلوگیری کند. سهل انگاری ما باعث شده جدائی ناگهانی شان از بولتن بحث، مدافعین واقعی آن را دل سرد کند و مخالفین آن را حق به جانب جلوه دهد. و در ضمن، ما هیات اختلافات واقعی پوشیده بماند. در این مورد قطعاً به ما انتقاد وارد است.

در حال، جدائی آنان از نشریه و "توضیحات" (بهتر است بگوئیم، شایعات) آنان در باب این جدائی، ضربه‌ای اساسی به کار همه ما زد. دست کم بحث زیادی در میان ما برانگیخت. اکنون، ادامه کار مورد تردید قرار گرفته بود. بسیاری از ما از برنامه مبارزه در راه گروه بندی جدید بریدند. برخی به کارهای پراکنده و "مستقل" روی کردند. عده‌ای نیز متقاعد شدند که کار جدی در این دوره بی‌فایده است. به ناچار دوباره با بحث درباره اهداف و وظایف با ز شد. هشت ماه بحث کردیم. و به هیچ نتیجه جدیدی بدیمی نرسیده‌ایم. برخی کماکان تردید دارند. اما، فقط تردید. برخی خواهان ادامه بحث هستند. اما بر اساس بحثی که تا کنون شده هنوز نتایج خود را ارائه نکرده‌اند. برخی متقاعدند که با ایده‌ها کار باقی را ادامه داد. اما، بر سر این که کار چه بود، اختلاف دارند. برخی نیز پاره‌ای اصلاحات را کاف می‌دانند. تنها جمع بندی ممکن می‌توان از این بحث ارائه داد، این است: آنهایی که به ادامه کار اعتقاد دارند، بر اساس چارچوب مشترک و مورد توافق، کار را از سر بگیرند. آنهایی که میل به ادامه بحث اند، به بحث خود ادامه دهند. آنهایی که هنوز

تردید دارند، به تدریج موضع خود را مشخص کنند.

احتمالا، کسانی با این جمع بندی مخالفت خواهند کرد. اگر به جمع بندی دیگری رسیده اند، ارائه دهند. به نظر ما در حال ادامه وضع فعلی غیر ممکن است. باید انتقادات را از سر گرفت و بحث را در آن ادامه داد. این، در واقع، کاری است که باید هشت ماه پیش می کردیم. بحث درونی مسائل را روشن نکرد. در این مورد نیز انتقادیه خود را می پذیریم. ماهیت بولتن بحث همواره جدائی ها و پیوستن های جدید را اجتنابنا پذیر می سازد. هر یک نیز ضمایح تحولی در کار نشریه ایجاد می کند. اما، همواره با پدیده های دشمنی که از وقفه در کار جلوگیری کنند. آنچه این بار کم کاری ما را کمتر از گذشته انتقاد پذیر می کند، پیوستن رفقای جدیدی است با تجربیات متفاوت و نظریات متنوع که قطعاً دست آورد مهمی برای بولتن بحث خواهد بود و به تدقیق اهداف و اصول آن کمک خواهد کرد. به نظر ما آن حداقل لازم از رفقای متعددی که بتوانند تا مکار را تضمین کنند، به نقد شکل گرفته است. بنابراین، با بد دوره جدید کار آغاز کرد.

احتمالا، ایرادات بسیاری به این نحوه کار نیز گرفتار خواهد شد. از قبل واقفیم. اما، چنانچه توان به همه این ایرادات نیز در خود نشریه پرداخت؟ تنها پاسخ شاید این باشد که بسیاری تمایل به "ترکت" در نشریه، حتی در مقام طرح انتقادات خود را ندارند. این، حق دموکراتیک آنان است. قاعدتا، به شکلی که خود تشخیص خواهند داد، و از طرفی که خود می خواهند، ایرادات خود را کتبی و علنی خواهند کرد. ما قطعاً آن استقبال خواهیم کرد و در بحث در باره انتقادات به نشریه درگیر خواهیم شد. اما، حق دموکراتیک ما نیز به ما اجازه می دهد که کاری را که کم کاران بدان اعتقاد داریم، ادامه دهیم. تاکنون، بر اساس بحث های علنی و درونی، به نتیجه جز آنچه در شمارات قبلی نوشته بودیم، دست نیافته ایم. تحلیل ما از اوضاع همان است که قبلاً نوشته ایم (هر چند که اوضاع دشوار تر شده) و برداشت ما از اهداف و اصول نیز تغییری نکرده است. اگر در ضمن بحث اشتباهات ما ثابت شود، البته تغییرات ضروری را خواهیم پذیرفت و در خود نشریه اعلام خواهیم کرد. بدین ترتیب، ما به سهم خود، تا زمانی که راه دیگری به ما نیاخته اند و نپذیرفته ایم، بر اساس آموخته های موجود حرکت می کنیم.

پس با بیدار کردن نشریه، همه مسائل، منجمله مساله ضرورت با عدم ضرورت ادامه نشریه، در خود نشریه باز باشد. اگر قرار است سوسیالیسم و انقلاب را به قتل برسانیم، چرا نباید دلایل آن را در خود نشریه توضیح دهیم؟ بسیاری از محافظان و گروه ها، در نشریات خود، به بحث بر سر نوشت سوسیالیسم و انقلاب و داوری در باره گنا هسان آن نشسته اند. برخی جواز دفن آن را نیز صادر کرده اند. بدون صرف نظر کردن از سهم آنان، باید گفت که خود نشریه نیز دست کم یکی از ابزار ادامه این بحث است. هر چند که پیش بینی و تجویز عده ای رانفسی خواهد کرد. برای رفقای که بحث (و یا ایرادات) خود را فقط در سطح تدقیق هر چه بیشتر اهداف و اصول کار و درس آموزی از اشتباهات گذشته می دانند، البته، بهترین محل جهت دادن و سازمان دادن آن همانا خود نشریه است. هستند رفقای که به طرح اساساً متفاوتی برای بولتن بحث در دوره حاضر اعتقاد دارند. اما، سوسیالیسم و انقلاب نه تنها مانعی بر سر راه ایجاد بولتن های متعدد دیگری برای بحث میان گرایش های متفاوت نیست، بلکه می تواند خود به وسیله ای برای رسیدن به بولتن "مطلوب" تبدیل شود.

خلاصه کنیم. نخستین وظیفه ما در راه رفع اشتباهات گذشته، ادامه کار است. بر اساس چارچوب اولیه ای که مورد توافق همه همکاران کنونی نشریه است، کار را باید از سر گرفت. به تدریج همکاران دیگر نشریه نیز موضع خود را روشن خواهند کرد، و به کمک آنان، قدم به قدم به تصحیح و تدقیق این چارچوب اولیه خواهیم پرداخت. هر فرد یا گروه ای همکاران باید بتواند، در صورت تمایل، برداشت های ویژه خود را نیز عنوان کند و به بحث بگذارد. چنانچه در ضمن بحث،

به نتایج و توافقات جدیدی در باره، مسائل مختلف مربوط به بولتن بحث مشترک دست یابیم، باید در خود نشریه منعکس گردند.

به نظر ما بحث در باره، چارچوب بولتن بحث را نمی توان از بحث در باره، برنامه بحث جدا کرد. چارچوب را بدان جهت تعیین کرده ایم که بتوانیم به بحث اصلی در باره، تدوین استراتژی و برنامه انقلابی بپردازیم. بدون پیشرفت در این بحث اصلی نخواهیم توانست به وحدت بر اساس این چارچوب اولیه دل ببندیم. ما طرح خود را در باره موضوعات مهم و مورد بحث ضمیمه کرده ایم و معتقدیم تا قبل از توافق بر سر خطوط کلی تمام این مباحثات، نخواهیم توانست از پیان یافتن دوره، تدارک برای ایجاد گروه بندی نوینی از سوسیالیست های انقلابی صحبت کنیم. این، البته، فقط نظر ما است و نظری اولیه. در حال، خود بر اساس آن تقسیم کار کرده ایم و تا آنجا که توان ما ناچار می دهد، سهم خود را در این بحث ادامه خواهیم کرد.

\* \* \*

این ها، اما، همه مشکلات و مسائل را از میان نخواهند برد. باید در نظر داشت که اغماض اشتباهات ما، خود ما هیت کار همواره سبب باز تولید آنها خواهد شد. ایجاد بولتن بحث مشترک، میان گرایش های فعلاً متفاوت، کار ساده ای نیست. وجود سنن و تجربیات متفاوت و روش های گوناگون کار، همواره عنصر تردید و تزلزل را در میان خود ما حفظ خواهد کرد. حتی مخالفان سوسیالیسم و انقلاب نیز ادعا داشته اند که کاری "بکروتازه" بود. از نمونه های دیگری در تاریخ چپ ایران برخوردار نیستیم. اگر اشتباه نکنیم، غیر طبیعی است. ایده اولیه را فقط می توان در پراکتیک سنجید و صیقل داد. "تقریبی در پی" تنها روش ممکن برای ما است. در آغاز کار بسیاری از مسائل ناروشن و ناشناخته اند. بسیاری از انتقادات به کار ما در دوره گذشته و بسیاری از دودلی ها در باره ادامه کار، ناشی از بی توجیبی به همین واقعیت ساده اند. باید به کمک یکدیگر، در ضمن کار و بر اساس تجربه مشترک، نواقص را به تدریج بر طرف کنیم. اگر قرار باشد قبل از آغاز کار همه پاسخ ها را بیا بیا به تنه کاری از پیش نخواهیم برد که خود نیز به یکی از عوامل تداوم فضای آکنده از یاس و ایهام کنونی بدل می شویم.

به علاوه، آنقدر نیز خوش بین نیستیم که تصور کنیم همه را راضی خواهیم کرد. در این مورد نیز اغماض بی رغبتی های ما، خود ما هیت کار مخالفت بسیاری را برخواهد انگیزد. و این مخالفت ها همواره منطقی نخواهند بود. هنگامی که هدف را تلاش در راه برش از گذشته و ایجاد گروه بندی انقلابی طراز جدید قرار دهیم، طبعاً، آنها که به تقدیر خود را تعیین شده می دانند، مخالفت خواهند کرد. این گونه مخالفت ها، اگر در مسیر بحث بر سر عقاید و پیشنه های جریان یا بند، نه تنها موجب نگرانی نخواهند شد که استقبال همه ما را به دنبال خواهد داشت. هدف ما نیز چیزی جز امان زدن به بحث سراسری در صفوف چپ انقلابی نیست. از تجربه، یک انقلاب و شکست آن گذشته ایم. باید در پرتو این تجربه آموخته های قبلی و فعلی خود را به بحث بگذاریم، و قدم به قدم، از استبداد، به تدقیق و تدوین مسائل عمده، تئوریک، استراتژیک و پروگرام تیک بپردازیم. اگر مخالفت ها به بد پیش برد این بحث کم می کنند، هر چند که به صورت مخالفت با نشریه سوسیالیسم و انقلاب باشند، فراشد ایجاد حزب انقلابی پرولتری را تسهیل خواهند کرد. متأسفانه، در دوره پیشین کار نشریه، بر خورد بسیاری از مخالفین آن متوجه جوانب دیگری شد. به جای بحث بر سر عقاید، به مخالفت با "شخصیت" های حامل این عقاید برخاستند و به جای داوری بر سر محتوی، پیشداوری های خود را بد رخ کشیدند. درگیر شدن ما در این گونه مباحثات به این دلیل است که این روش را بی فایده می دانیم. در آینده نیز تلاش ما همین خواهد بود ●

## موضوعات بحث در سوسیالیسم و انقلاب

### مقدمه

وجه مشخصه بحران رهبری انقلابی در ایران همانا عدم تمایز جریان سوسیالیسم انقلابی از دیگر جریانات سیاسی در جنبش پرولتری است. جهت تدقیق این تمایز طبیعاً باید در کنار کار عملی مبارزاتی به تدوین دیدگاه سوسیالیسم انقلابی در تمام جوانب مهم و ضروری آن نیز توجه شود. برنامۀ زیر طرح اولیه‌ای است برای تعیین این جوانب و ارائه‌ی طریقی برای تسهیل کار جمعی همه سوسیالیست‌های انقلابی.

به عقیده ما، گسترش فعالیت‌های آموزشی، تحقیقی و تبلیغی (پروپاگاندا) بر سر موضوعات زیر و ایجاد چارچوب‌های مساعد برای بحث و تبادل نظر همگانی (بحث‌کتابی از طریق نشریه، ایجاد هسته‌های آموزشی و تحقیقی و همچنین سرگزارای جلسات و سمینارها) می‌تواند به تدریج به تدوین استراتژی و برنامه سوسیالیست‌های انقلابی در ایران کمک کند و گرایش‌های متفاوت در میان شان را بر-جسته سازد.

### بخش اول: کلیات

#### فلسفه

- ۱ - مسائل تاریخ فلسفه
- ۲ - فلسفه نزد مارکس و انگلس
- ۳ - فلسفۀ پس از مارکس
- ۴ - نقد و بررسی تئوری‌های مارکسیستی فلسفه

#### اقتصاد سیاسی

- ۵ - اصول و مسائل اقتصاد سیاسی مارکسیستی
- ۶ - نقد و بررسی تئوری‌های امپریالیسم
- ۷ - سرمایه‌داری در دوران کنونی

#### دولت

- ۸ - تئوری‌های مارکسیستی دولت
- ۹ - انواع دولت‌های بورژوازی
- ۱۰ - مفهوم دولت پرولتری

#### استراتژی

- ۱۱ - تئوری انقلاب نزد مارکس و انگلس
- ۱۲ - تجربه انقلاب روسیه
- ۱۳ - تجربیات انقلابات معاصر
- ۱۴ - مشاجرات موجود در مارکسیسم

#### سوسیالیسم

- ۱۵ - مفهوم سوسیالیسم در مارکسیسم
- ۱۶ - مسائل انتقال از سرمایه‌داری به سوسیالیسم
- ۱۷ - تئوری‌های مارکسیستی درباره "سوسیالیسم واقعاً موجود"

#### برنامه

- ۱۸ - مفهوم برنامه در مارکسیسم
- ۱۹ - برنامه حداقل و حداکثر
- ۲۰ - برنامه انتقالی

رفقای که درباره موضوعات مشخصی کار می‌کنند، می‌توانند از طریق نشریه در تماس با سایر رفقای که در همین مورد تلاش می‌کنند، قرار گیرند و بدین وسیله نه تنها در تدقیق مسائل مهم بحث به یکدیگر یاری برسانند، بلکه در صورت امکان تمایل به تقسیم‌کاری که بتواند کارها را تسریع کند، دست یابند (رفقای که درباره موضوعی در آغاز کار رند نیز می‌توانند به همین ترتیب از راهنمایی‌های سایر رفقا بهره‌مند شوند). چنانچه در قفا برنامه اولیه‌ای از نکات و مسائل مهم در رابطه با موضوع مورد بررسی خود را همراه با کتاب‌شناسی لازم برای ما ارسال دارند، خواهیم توانست در اختیار رسته‌های آموزشی (و همچنین هسته‌های ترجمه) نیز قرار دهیم.

تقاضای ما از رفقای درگیر در رسته‌های آموزشی و مباحثات شفاهی اینست که بر اساس تجربه خود ما را نیز از مسائلی که به نظرشان در هر موضوع مهم جلوه می‌کنند، مطلع سازند تا بتوانیم در اختیار رفقای نویسنده قرار دهیم. بدین ترتیب می‌توانیم تمام مکانات موجود را در جهت پیشبرد هر چه بهتر مباحثات به کار گیریم. واضح است که برنامه زیر لزوماً بهترین برنامه ممکن نیست و باید از طریق پیشنهادات همه رفقا اصلاح شود.

### سازماندهی

- ۲۱ - مفهوم آگاهی طبقاتی و رهبری انقلابی در مارکسیسم
- ۲۲ - نقد و بررسی تئوری لنینیستی حزب پیشگام
- ۲۳ - تئوری‌های مارکسیستی سازماندهی

### بین‌الملل‌گرایی

- ۲۴ - تجربیات بین‌الملل‌های کارگری
- ۲۵ - جریانات موجود در جنبش بین‌المللی
- ۲۶ - مسائل ایجاد بین‌الملل انقلابی

### بخش دوم: ایران

#### اقتصاد

- ۲۷ - وجه تولید پیشا سرمایه‌داری
- ۲۸ - رشد سرمایه‌داری در ایران
- ۲۹ - زمینه‌های اقتصادی انقلاب

#### جامعه و دولت

- ۳۰ - ساختار طبقاتی جامعه ایران
- ۳۱ - ماهیت طبقاتی دولت‌های معاصر
- ۳۲ - دولت جمهوری اسلامی

#### مسائل انقلاب

- ۳۳ - استراتژی انقلابی
- ۳۴ - برنامه عمل انقلابی
- ۳۵ - مسائل حزب انقلابی
- ۳۶ - تجربیات انقلابات معاصر

#### احزاب سیاسی

- ۳۷ - تاریخ احزاب سیاسی
- ۳۸ - منشأ مارکسیسم در ایران
- ۳۹ - مسائل اپوزیسیون بورژوازی
- ۴۰ - نقد و بررسی کارنامه جریانات سیاسی چپ